

بررسی تأثیر هجرت عرفانی بر هجرت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)

دکتر زاهد غفاری هسجین

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد
z_ghafari@yahoo.com

محمد آقائی

دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد
aghaei_1369@yahoo.com

محمد رضا فتحی مهر

دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و فلسفه دانشگاه امام صادق (ع)
fathimehr_1367@yahoo.com

چکیده

«هجرت» به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی فرهنگ سیاسی تشیع همواره در اندیشه‌ی علمای بزرگ شیعه قابل ردیابی بوده است و امام خمینی به عنوان مبرزترین عالم شیعی عصر حاضر دارای نظرات مهمی در رابطه با این مفهوم است. باید توجه داشت که رویکرد ارزش‌مدارانه نسبت به هجرت آن را در زمره مفاهیم کلیدی جهت فهم ساختار تشیع قرار داده است، مفهومی دو وجهی که در نسبت با درون‌گرایی و عرفان تشیع معنایی ویژه به خود گرفته و در چهارچوب برون‌گرایی شیعه معنایی متفاوت می‌یابد. یکی از ابعاد برون‌گرایانه‌ی هجرت ره‌آورد سیاسی آن می‌باشد. از این‌رو، سؤال اصلی نوشتار حاضر آن است که هجرت عرفانی در اندیشه امام خمینی چه تأثیری بر هجرت سیاسی دارد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برای انجام هجرت سیاسی لازم است ابتدا فرد «مهاجر» هجرتی درون‌گرایانه و عرفانی انجام دهد، به عبارت دیگر، در اندیشه امام هجرت عرفانی شرط لازم برای هجرت سیاسی است. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی می‌باشد که به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته و گردآوری منابع آن از طریق مطالعه اسنادی و رجوع به منابع موجود انجام گرفته است.

کلید واژه‌ها: فرهنگ سیاسی تشیع، امام خمینی، هجرت عرفانی، هجرت سیاسی.

مقدمه

هجرت در لغت دارای معنایی عام است و عبارت است از خروج از وطن و یا انتقال از مکانی به مکان دیگر برای به دست آوردن رزق و روزی، اما این مفهوم در اصطلاح فرهنگ سیاسی اسلام به معنای ترک نمودن وطنی که در میان کفار باشد و وارد شدن به محیطی اسلامی است (صلیبا و صانعی دره بیدی، ۱۳۶۶: ۶۷۲). هجرت در اصطلاح یعنی ترک دیار و حرکت به سوی خدا و رسولش، مهم‌ترین شرط هجرت به سوی خدا و رسولش داشتن نیت خدایی است و اگر این شرط وجود نداشته باشد هرگز هجرت از منظر فرهنگ سیاسی تشیع رخ نداده است (ابن عربی، بی تا، ج ۱: ۲۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۳۴۰؛ نراقی، بی تا، ج ۳: ۱۱۲؛ امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). اهمیت مفهوم هجرت تا جایی است که در قرآن کریم و در ذیل سور گوناگون آن ۳۱ بار از این مفهوم سخن به میان آمده است^۱. در واقع در فرهنگ سیاسی تشیع هر هجرتی که دارای هدفی دینی باشد را هجرت به سوی خدا و رسولش می‌دانند، خواه برای طلب علم باشد، خواه برای انجام مناسک حج، یا برای رسیدن به دیار مؤمنین. طبق این تعریف مهاجر کسی است که از چیزی که خدا آن را حرام نموده است دوری کند و یا حرکت به سمت باطل را برای رسیدن به حق ترک نماید (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۵۱۶-۵۱۵).

وقتی چنین تعریفی از هجرت ارائه گردد می‌توان مصادیقی حتی پیش از ظهور اسلام برای آن ذکر کرد، طبق همین تعریف است که شیخ اشراق - از مهم‌ترین فلاسفه شیعی - فریدون را که از پادشاهان اساطیری معروف ایران باستان است در زمره کسانی معرفی می‌نماید که هجرت نموده‌اند (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۸۸-۱۸۶).

در یک تقسیم‌بندی می‌توان مفهوم هجرت را به دو بعد درون‌گرایانه و برون‌گرایانه تقسیم نمود. بعد درون‌گرایانه‌ی هجرت همان است که در پژوهش حاضر «هجرت عرفانی» خوانده می‌شود، مفهومی که در اندیشه‌ی امام خمینی مباحث عمیق و مهمی درباره‌ی آن بیان شده است، در مقابل یکی از مهم‌ترین انواع هجرت برون‌گرایانه که شیوه رسیدن به آن و روش تحقق آن در فرمایشات امام مورد توجه قرار گرفته است «هجرت سیاسی» است.

۱. ر.ک. به: سوره بقره: ۲۱۸؛ آل عمران: ۱۹۵؛ نساء: ۸۹ و ۹۷ و ۱۰۰؛ نفال: ۷۲ و ۷۵ و ۷۴؛ توبه: ۲۰ و ۱۰۰ و ۱۱۷؛ نحل: ۴۱ و ۱۱۰؛ حج: ۵۸؛ نور: ۲۲؛ عنکبوت: ۲۶؛ احزاب: ۶ و

برای فهم صحیح ارتباط میان این دو لازم است به تحلیل فرمایشات و رهنمودهای ایشان در چهارچوب ساختاری فرهنگ سیاسی تشیع پرداخت، از این رو نگارندگان برای ورود به بحث لازم می‌دانند کلیاتی از مفهوم مختار خویش را از فرهنگ سیاسی تشیع عرضه نموده و دو انگاره‌ی هجرت عرفانی و هجرت سیاسی را با توجه به این مفهوم به عنوان چهارچوب نظری پژوهش مطرح نمایند و سپس به بررسی تأثیر هجرت عرفانی بر هجرت سیاسی در اندیشه امام خمینی بپردازند.

لازم به یادآوری است که با توجه به جستجوی نگارندگان در ادبیات پژوهش تاکنون هیچ پژوهش مستقلی با موضوع و روش نوشتار حاضر به رشته تحریر درنیامده است.

چهارچوب نظری فرهنگ سیاسی تشیع فرهنگ سیاسی

تاکنون تعاریف متعددی از مفهوم فرهنگ ارائه شده است. مثلاً بر اساس نظر بارت تیلور: فرهنگ یک مجموعه در هم پیچیده از دانش، اعتقاد، هنر، اخلاق، قانون، آداب و رسوم، و همه‌ی توانایی‌ها و عاداتی است که مردم با آن سر و کار دارند. (Burnett Tylor, 2010: 56)

گابریل آلموند معتقد است همان‌گونه که باورها و نگرش‌های افراد بر اعمال و رفتار آنان تأثیر می‌گذارد، فرهنگ سیاسی نیز بر اعمال و رفتار شهروندان و رهبران جامعه و ارتباط متقابل ایشان تأثیرگذار است، وی فرهنگ سیاسی را توزیع خاصی از ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی تعریف می‌کند (Almond & Verba, 1990:95). در همین زمینه تنسی معتقد است محیط ذهنی و فکری که سیاست در آن شکل گرفته، تفسیر شده و مورد قضاوت قرار گرفته است همان فرهنگ سیاسی است (تنسی، ۱۳۷۹: ۱۴۹). در حالی که وربا فرهنگ سیاسی را نظام باورهای تجربه‌پذیر، نهادها و ارزش‌هایی که مبنا و پایه‌ی کنش سیاسی است می‌داند (Verba, 1988:213). با توجه به این تعاریف، مفهوم فرهنگ سیاسی بیش از پیش روشن گردید و اکنون می‌توان تعریفی مستقل از فرهنگ سیاسی تشیع ارائه نمود: فرهنگ سیاسی تشیع مجموعه‌ای پیوسته و پیچیده از نظام اعتقادی، نظام ارزشی، نمادها و شبکه‌های سیاسی است که از منابع اعتقادی دست اول و منابع کلامی کهن شیعی حاصل می‌شود و مبنای کنش، جهت‌گیری و رفتارهای سیاسی شیعیان در برابر نظام سیاسی و حکومتی داخلی و جهانی است.

باید توجه داشت که فرهنگ سیاسی تشیع را می‌توان در قالب دو رویکرد مورد مطالعه قرار داد: رویکرد دینی و رویکرد غیردینی. چهارچوب نظری پژوهش حاضر فرهنگ سیاسی تشیع با رویکردی دینی است. فرهنگ سیاسی تشیع دارای یک نظام اعتقادی و ارزشی است که چندین مؤلفه را شامل می‌گردد، یکی از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها مفهوم هجرت است.

اصل محوری «توحید» سرآغاز و به منزله‌ی نقطه‌ی شروع مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ی نظام اعتقادی، ارزشی و نمادها و شبکه‌های سیاسی فرهنگ سیاسی تشیع می‌باشد، سرآغازی که خود نقطه‌ی نهایی هجرت نیز محسوب می‌شود، به عبارت دیگر، در فرهنگ سیاسی تشیع هجرت از نقطه‌ی توحید آغاز می‌شود و هدف اصلی و اساسی آن رسیدن به خداوند و تقرب به درگاه حضرتش و یا خداگونه شدن می‌باشد، هجرت از خدا به سوی خدا. فهم دقیق این مطلب مهم‌ترین نکته در شروع هجرت عرفانی است. همان‌گونه که از ادبیات وژگانی بحث پیداست، انسان، خواسته‌ها و تمایلاتش مانعی جدی در مسیر هجرت عرفانی است، برای فرد مهاجر ضروری است که خودبینی و خودگرایی را به کناری نهاده، و هر عملی ولو اعمال دنیوی خود را با نیت توحید خالص گرداند، زیرا مجاهده با نفس و خالص کردن اعمال برای خدا به مثابه مقدمه برای هجرت عرفانی است.

هجرت عرفانی

در مطلب بالا نشان داده شد که اهمیت هجرت در فرهنگ سیاسی تشیع تا چه حد رفیع است. یکی از اقسام متنوع هجرت، هجرت عرفانی است، البته باید به این نکته توجه داشت که استفاده از صفت «متنوع» برای اصل هجرت به معنای تفاوت در هدف غایی آنها نیست، بلکه به این معناست که اگر به هجرت‌های اصیل تاریخ تشیع ملاحظه شود، می‌توان آنها را با توجه به شکل انجام گرفتن و راهبرد صورت پذیرفتن به دسته‌های مختلف تقسیم‌بندی نمود، که هدف تمامی آنها تقرب به خداوند متعال و خداگونگی انسان است. هجرت عرفانی نوعی از هجرت است که سیر و حرکت اصلی در آن درون گرایانه است، یعنی برای انجام گرفتن آن لازم است فرد در درون خویش اصلاحاتی را انجام دهد.

هجرت در لغت به معنای ترک نمودن و اعراض کردن به کار رفته است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴: ۲۴۵) و مهاجر در هجرت عرفانی کسی است که از آنچه خداوند بر او حرام نموده است مهاجرت نماید (بحرانی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۹۵) و یا به عبارت دیگر، مهاجر آن کسی است که از

گناهان دوری کرده و آنچه را که خداوند حرام نموده است ترک کرده باشد (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۵۸۱). همان گونه که از این جملات آشکار می‌گردد هجرت عرفانی لازم نیست همراه با طی مسیر ظاهری باشد، به عبارت دیگر، پیمودن راه ظاهری و مادی برای انجام هجرت عرفانی شرط نیست، هجرت عرفانی با قلب مهاجر سر و کار دارد، یعنی شرط اصلی در آن داشتن نیت خالص جهت هجرت به سوی خدا و رسولش است (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۱۵). به عبارت دیگر، در بسیاری از مواردی که اصل هجرت عرفانی بر یک شخص معین جاری می‌شود ممکن است به طور کلی هیچ‌گونه پیمودن راه ظاهری صورت نگرفته باشد و شخص مهاجر در درون خویش و با پشت سر گذاشتن منازل و مقامات معنوی هجرتی عرفانی کرده باشد.

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در فرهنگ سیاسی تشیع کاربست اصل «ولایت» و اعتقاد و اقرار به آن در جریان انجام هجرت عرفانی نقشی کلیدی دارد، تا جایی که به تعبیر حضرت علی (ع) نام هجرت بر احدی واقع نمی‌شود مگر حجت خدا را در زمین بشناسد و هر کسی که حجت الهی را شناخت و به او اقرار نمود مهاجر محسوب می‌شود (شریف رضی، ۱۳۸۸: ۱۸۳). یعنی انسان در همان ساعتی که به شناخت ولی خدا در زمین نایل بیاید و به ولایت وی اقرار نماید در همان ساعت نیز در جرگه‌ی مهاجران به سوی خدا و رسولش قرار خواهد گرفت و اجر آنان را خواهد برد. بر این اساس است که یزید بن زیاد بن مهاصر آنگاه که در ظهر عاشورا از لشکریان عمر بن سعد خارج شد و در زمره‌ی سپاهیان امام حسین (ع) قرار گرفت فریاد برآورد که «من به سوی حسین (ع) هجرت نموده‌ام» (ابومخنف کوفی، ۱۳۸۰: ۱۷۸) در واقع ایشان با شناخت ولی خدا و اقرار به حضرتش در زمره‌ی مهاجران به سوی خدا و رسولش قرار گرفت. طبق حدیث شریف حضرت که در بالا بیان شد هجرت برای کسانی که ولی خدا را در زمین نشناسند، یا آنکه بشناسند ولی به او اقرار نکنند محلی از اعراب نخواهد داشت. شاید به همین دلیل است که در منابع معتبر سلوک عرفانی «باب ولایت» بخش اعظم مطالب را از حیث کمیت و کیفیت به خود اختصاص داده است و شیرین‌ترین مطالب و غزترین گفتارها در ذیل این باب وارد شده است.^۱

۱. برای مثال ر.ک. به: سید یدالله یزدان پناه، مبانی و اصول عرفان نظری؛ نصرت بیگم امین اصفهانی، سیر و سلوک در روش اولیاءالله و طریق پیمودن راه حق تعالی.

هجرت سیاسی

از جمله کارکردهای مهم هجرت در فرهنگ سیاسی تشیع، کارکرد سیاسی آن است. در متون کهن شیعی آمده است در زمانی که حکومت ظلم بر جامعه حکمرانی می‌کند بر مسلمان شیعه لازم است در مقابل این حکومت ظالم و جامعه‌ی فاسد شده بپا خیزد و برای مخالفت با طاغوت هجرت نماید، اولین کسی که چنین کاری را به انجام رساند حضرت ابراهیم^(ع) بود که برای مخالفت با حکومت و جامعه‌ی فاسد روزگار خویش هجرت نمود (کاشانی، ۱۳۸۰: ۴۷۴). یکی دیگر از کارکردهای سیاسی هجرت در فرهنگ سیاسی تشیع هجرت برای تشکیل حکومت الهی و بپا داری احکام شرعی است (غزالی، بی‌تا، ج ۳: ۴۹۲) یعنی اگر مسلمانان در جایی ساکن بودند که امکان برقراری حکومتی الهی و برپا داشتن حدود و تکالیف دینی فراهم نبود، لازم است برای برقراری حکومت اسلامی از آن دیار هجرت نموده و به جایی نقل مکان نمایند که در آنجا امکان برقراری حکومت الهی و یا اجرای حدود و انجام فرایض دینی وجود داشته باشد و اگر چنین نکنند مرتکب یکی از هفت گناه کبیره شده‌اند (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۷۹) گناهی که «تعرب بعد از هجرت» نام دارد و به تعبیر امام صادق^(ع) مساوی با شرک بوده و با آن یکسان انگاشته می‌شود (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۸۳). به جرأت می‌توان ادعا نمود که واضح‌ترین وجه ظاهر شده از هجرت پیامبر اسلام وجه سیاسی آن می‌باشد که ظاهر روایات رسیده از معصومین^(ع) نیز این مطلب را تأیید می‌نماید، طبق روایات صادره از ایشان هجرت پیامبر در صدر اسلام جهت فراهم آوردن شرایطی بوده است که مردم بتوانند از تعالیم پیامبر بهره‌مند گردند، قبیله‌های مسلمان شده‌ای که تا آن زمان منسجم و متحد نبوده‌اند یکپارچه شوند، توان اقتصادی مسلمانان فقیر تقویت شود، از حملات پی‌درپی کفار قریش جلوگیری شود (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۸۴۹)، و بر تعداد یاران پیامبر افزوده شود تا بتوانند خود را برای جنگ با مشرکین آماده نمایند (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۸۱). البته لازم به یادآوری است که هجرت سیاسی تنها برای انجام مبارزه مسلحانه نیست، همان‌گونه که هجرت حضرت ابراهیم^(ع) برای کارزار نبوده است (ابن‌بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۱۷) و به عنوان مثال، در روایات صادره از معصومین^(ع) شرکت در فریضه‌ی الهی سیاسی نماز جمعه و مداومت بر آن و خروج از محل اقامت برای رسیدن به آن نیز هجرت خوانده شده است (ابن‌بابویه، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۲۱).

سطور آورده شده در بالا تنها به معرفی و روش کاربست دو وجه از یکی از مؤلفه‌های

چندگانه‌ی شبکه‌ی ارزشی اعتقادی فرهنگ سیاسی تشیع بنام هجرت پرداخته است. فرهنگ سیاسی تشیع و قابلیت‌های آن جهت کاربست به عنوان چهارچوب نظری در پژوهش علمی تاکنون مورد غفلت قرار داشته است. به اعتقاد نگارندگان کاربست فرهنگ سیاسی تشیع و بالاخص استفاده از اصل هجرت به عنوان چهارچوب نظری پژوهش می‌تواند به بهترین نحو تأثیر هجرت عرفانی را بر هجرت سیاسی از دیدگاه امام خمینی نشان دهد.

تأثیر هجرت عرفانی بر هجرت سیاسی

در اندیشه‌ی امام خمینی هجرت عرفانی مقدمه‌ای ضروری برای انجام هجرت سیاسی است. به عبارت دیگر، در اندیشه‌ی ایشان هجرت عرفانی شرط لازم هجرت سیاسی است. انسان تا زمانی که نتواند درون خویش را آراسته نماید نخواهد توانست هجرت ظاهری سیاسی به سوی خدا و رسولش را آغاز نماید. در واقع در چهارچوب فرهنگ سیاسی تشیع هجرت سیاسی برای وقوع نیاز به یک سلسله مقدمات دارد که تا این مقدمات ایجاد نشود هجرت محقق نخواهد شد. وقتی انسان بخواهد به سوی خدا و رسولش هجرت سیاسی نماید باید پیش از آن هجرتی درونی و عرفانی را آغاز نموده باشد، زیرا انجام هجرت عرفانی برای قدم گذاشتن در مرحله‌ی هجرت سیاسی ضرورت دارد. به دیگر سخن، اساساً امکان وقوع هجرت سیاسی بدون داشتن پیشینه‌ای از هجرت عرفانی امکان‌پذیر نیست.

هجرت عرفانی در نگاه امام خمینی

در اندیشه‌ی امام خمینی شروع هجرت عرفانی خود دارای مقدمات و گام‌هایی است. مهاجر در اینجا در جایگاهی مانند مقام سالک در عرفان عملی و نظری قرار می‌گیرد. همان‌گونه که سالک برای عبور از منازل و مقامات طریق سلوک نیاز دارد چنتمه‌ای از نیکی و اعمال صالح با خود داشته باشد، برای مهاجر در هجرت عرفانی نیز به همراه داشتن توشه‌ای از خودسازی و مبارزه با نفس ضروری است.

در چهارچوب فرهنگ سیاسی تشیع مقدمه‌ی هجرت از منظر امام خمینی ترک خودخواهی و خودبینی است. تا زمانی که «خود» در چشم انسان قرار داشته باشد امکان مشاهده‌ی راهی که به خدا و رسولش منتهی می‌گردد برای وی امکان‌پذیر نخواهد بود. اساساً اگر چیزی غیر از خدا در نظر انسان بزرگ جلوه نماید و رسیدگی به خواسته‌های آن در جایگاه اطاعت از فرمان

خداوند قرار گیرد نوعی شرک ایجاد شده است که باعث نادیده انگاشتن دستورات خداوند می‌شود، زیرا در این حالت دیگر خداوند و اوامر او نیست که سبب حرکت و جنب و جوش در انسان شده است زیرا اساساً خدا مدنظر انسان قرار ندارد، بلکه چیزی که در این حالت باعث تحرک انسان شده است همان است که پیش چشم او بزرگ جلوه نموده است. به دیگر سخن، در شرایط سلامت روحانی و نفسانی انسان خداوند را در همه جا حاضر می‌یابد و در هر حالت او را پیش چشم خود می‌بیند، اما زمانی که انسان گرفتار بیماری خودبینی شود به هر جا نگاه کند تنها «خود» را می‌بیند و به فرامین خود تمکین می‌نماید. برای مهاجر واجب است که «خود» را کنار زده در همه جا خدا را ببیند: «چون خدا همه جاست و با همه چیز است، وصول به لقای او هجرت از همه جا و ترک همه چیز است» (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۱۲).

از دیدگاه امام ممکن است شخصی که دارای خودبینی و خودخواهی است نیز قدم در وادی سلوک و هجرت عرفانی بگذارد اما راهی که آن شخص طی می‌کند هرگز به سوی خدا نخواهد بود، بلکه راه وی به سوی نفس خود است، زیرا این شخص با توجه به این بیماری (خودبینی) که درون او وجود دارد اساساً قادر به دیدن خداوند و رفتن به سوی او نیست. ایشان در این رابطه می‌فرمایند:

اول شرط سلوک الی الله خروج از این منزل است... پس سالک که با قدم انانیت با خودبینی و در حجاب انیت و خودخواهی طی منزل سلوک کند، ریاضتش باطل و سلوکش الی الله نیست، بلکه الی النفس است... هجرت صوری و صورت هجرت عبارت است از هجرت به تن از منزل صوری به سوی کعبه یا مشاهد اولیا^(ع)؛ و هجرت معنوی [عرفانی] خروج از بیت نفس و منزل دنیا است الی الله و رسوله... (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۸).

از دیدگاه ایشان اصولاً امکان ندارد کسی قدم در وادی هجرت عرفانی گذارد ولی پیش از آن درون خود را از خودبینی و خودخواهی پالایش نکرده باشد. ایشان در جمله‌ای می‌فرمایند: «تا خروج از بیت نفس و بیرون رفتن از انانیت نباشد، سفر الی الله و هجرت به سوی او محقق نشود» (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۴۱۸). در واقع هر حرکت درونی هجرت محسوب نمی‌شود، در چهارچوب فرهنگ سیاسی تشیع تنها زمانی می‌توان گفت هجرت عرفانی رخ داده است که خودخواهی و خودبینی در انسان کنترل شده باشد، یعنی اختیار نفس انسان در دست خودش باشد نه اینکه انسان در اختیار نفس خود باشد.

امام پس از ذکر این بیماری راه علاج آن را نیز بیان می‌کنند، زیرا تشخیص بیماری مرحله‌ی اولیه در درمان و ریشه‌کن نمودن مرض است، پس مرحله‌ی تشخیص لازم است راه درمان و علاج بیماری مورد توجه قرار گیرد. ایشان راه نجات از این مرض را «عبادت» معرفی می‌کنند. باید توجه داشت که در اینجا مطلق عبادت مدنظر قرار دارد، یعنی صورت خاصی از عبادت مورد تأکید نیست، بلکه کیفیت انجام عبادت است که تأثیرگذار است. ایشان معتقد بودند که کارویژه‌ی عبادات آن است که ما را مهاجر کنند، عباداتی که با مجاهده با نفس صورت گرفته است و از این طریق برای خداوند خالص شده است، همین خلوص اعمال و عبادات برای خداوند خود مقدمه‌ی هجرت محسوب می‌شود (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۶۲-۶۱).

در نگاه امام هجرت عرفانی دارای دو رکن اساسی است: اول خروج از منزلگاه نفس و حرکت به سوی خداست و دوم رسیدن به «باب الله» و «فنا فی الله» است (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۶۹: ۵۴). به عبارت دیگر، برای هجرت عرفانی تنها دوری از خودخواهی و خودبینی کافی نیست، بلکه این تنها در حکم مقدمه‌ای لازم جهت انجام هجرت است. در چهارچوب فرهنگ سیاسی تشیع هجرت عرفانی زمانی محقق می‌شود که شخص مهاجر پلیدی‌ها و زشتی‌های نفسانی را در خود از بین برده باشد، در این مرحله است که مهاجر می‌تواند از منزل نفس حرکت کرده و مراحل گوناگون را پشت سر گذارده و به مقام «فنا» دست یابد.

هر چند ممکن است شخص مهاجر از طریق مطالعه و تحقیق در منابع عرفانی از منازل گوناگون این هجرت آگاهی یافته باشد ولی در این حالت این شخص تنها دانشی مختصر از کلیات هجرت عرفانی دارد، از این رو لازم است برای یافتن دانشی عمیق و صحیح از هجرت عرفانی خود مستقیماً وارد مسیر هجرت شود، زیرا از طریق هجرت است که انسان می‌تواند آنچه پیش از هجرت از طریق برهان می‌دانست را به صورت وجدانی درک نماید (ملاصدرا، ۱۴۲۲: ۳۹۷). به دیگر سخن، علم انسان به هجرت عرفانی پیش از انجام آن از نوع علم حصولی است ولی وقتی خود پا به عرصه‌ی هجرت عرفانی گذارد، پلیدی‌ها را از خود دور نمود، عبادات و اعمالش را برای خداوند خالص نمود، از منزلگاه نفس خارج شد و در نهایت به مقام فنا فی خداوند نایل شد این علم تبدیل به علم حضوری می‌شود، یعنی علمی که فارغ از هر گونه اسباب با گوشت و خون او درآمیخته باشد.

هجرت سیاسی در نگاه امام خمینی

وقتی انسان مراحل را که در بالا گفته شد طی کرد برای انجام هجرت سیاسی مهیا می‌شود. در ادبیات امام پشت سر نهادن این مراحل گوناگون و دشوار همیشه مقرون به زمان طولانی نیست. به عبارت دیگر، در چهارچوب فرهنگ سیاسی تشیع لازم نیست در قالب مراحل جداگانه ابتدا فرد خودبینی را از خود دور نموده، سپس خودخواهی را در خود ریشه کن نماید، سپس سایر پلیدی‌ها را جداگانه و یک به یک از خود دور نماید تا در نهایت بتواند هجرت سیاسی انجام دهد، بلکه امکان دارد تمامی این مراحل در یک مدت زمان کوتاه و حتی در مدت یک شب برای فرد به انجام گیرد. در این حالت بحث قابلیت‌های فرد و اتصال وی به امام معصوم^(ع) و دایره‌ی ولایت به میان می‌آید.

مهاجر در اینجا بدون مجاهده و ریاضت‌های شرعی طولانی مدت می‌تواند به مقام فنای در خداوند برسد، زیرا نیت فرد خدایی شده است. در ابتدای نوشتار بیان گردید که مهم‌ترین شرط هجرت داشتن نیت خالص است. این نیت خالص، مهاجر را به جایگاهی می‌رساند که در مدت کوتاهی می‌تواند پیچیده‌ترین و دشوارترین مراحل سلوک را به سرعت پشت سر گذارد. به تعبیر ملاصدرا «تا انسان پستی دنیا را در نیابد و شرافت و برتری آخرت را متوجه نگردد نمی‌تواند مهاجرت نماید» (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹: ۲۳۷). در اینجا مهاجر آگاهی لازم را در خصوص برتری و شرافت عالم ملکوت بر دنیای مادی به دست می‌آورد و نیت خود را جهت رسیدن به آن خالص می‌گرداند و قصد رسیدن به آن را می‌نماید، در چهارچوب فرهنگ سیاسی تشیع اساساً همین خلوص می‌تواند او را تا بالاترین درجات هجرت عرفانی صعود دهد.

امام در تعبیری می‌فرماید:

... یک قوه‌ای بود در آنها، قوه اعتقاد به خدا، اعتقاد به خدا باید پیدا بکنید قوه پیدا می‌کنید... جدید کنید که کارهایتان برای خدا باشد، قیامت‌ان الله باشد انیت خالص خدایی داشته باشید... اگر قیام برای خدا باشد... یک طمأنینه‌ای در نفس پیدا می‌شود که دیگر شکست توی آن نیست. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۱۶۷-۱۶۶).

با نیت خالص خدایی انسان می‌تواند در راه هجرت سیاسی قدم گذاشته و مقدمات سخت و گوناگون آن را به راحتی فراهم نماید. در زمان پیامبر اکرم نیز مردم عادی که تا پیش از آن سال‌ها به بت پرستی می‌پرداختند توانستند همراه با آن حضرت هجرت نمایند، علت این امر

آن بود که مردم در زمان پیامبر ابتدا به شناخت ولی خدا در زمین نایل آمدند و به وجود او اقرار نمودند و سپس با خالص نمودن نیت خود برای خدا توانستند مراحل گسترده و طولانی هجرت عرفانی را در مدتی اندک پشت سر گذارند و با آن حضرت هجرت نمایند.

امام در بیانات متعددی نهضت انقلابی ایران را با هجرت پیامبر اکرم در صدر اسلام مقایسه نموده و به ایجاد خط ارتباط میان این دو جریان تاریخی پرداخته است. این مقایسه به این دلیل اتفاق افتاد که نیت خدایی در هر دو جریان، هجرت سیاسی را به یک سمت واحد هدایت کرد. مردم ایران در جریان انقلاب خواستار ایجاد عدالت در کشور بودند، آنان می خواستند نظام اشرافی ظالم و ناکارآمد به طور کلی کنار گذاشته شود و انسانیت و ارزش های انسانی جایگزین ارزش های خودساخته شود و از این طریق کشور به صورت قدرت مند، متحد و یک پارچه درآید. ایشان با دانستن این خواست ها و ردیابی آنها در بستر فرهنگ سیاسی تشیع، تمامی این آمال را در صدر اسلام و هجرت پیامبر اکرم از مکه به مدینه نیز مشاهده نموده و در این ارتباط فرمودند:

هجرت با برکت حضرت خاتم النبیین و افضل المرسلین را که مبدأ نهضت اسلامی و الهی و مصدر بسط عدالت و فرهنگ انسان ساز و منشأ حرکت به سوی برچیدن اساس ظلم و نابکاری و ارتقا به مقام والای انسانی و هجرت از تمام ظلمها و خصلتهای شیطانی - حیوانی به سوی نور مطلق و سرچشمه کمال و مؤسس امت و امامت است... (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۱۳۶)

این فراز از فرمایش امام برای این بیان شده است که نشان دهد انقلاب اسلامی ایران امری نوظهور و خواسته های مردم در جریان آن مطلبی بدیع و فاقد سابقه نیست. در واقع ایشان به دنبال این مطلب بودند که نشان دهند ربط وثیقی میان هجرت مردم در انقلاب اسلامی ایران و هجرت پیامبر در صدر اسلام وجود دارد و انقلاب اسلامی ایران دنباله ی جریان فرهنگ سیاسی تشیع بوده و در بستر آن رخ داده است.

پس از ذکر این نکات لازم است نوع ارتباط و چگونگی کاربست هجرت عرفانی در وقوع هجرت سیاسی از دیدگاه امام مورد بررسی قرار گیرد. ایشان در فرمایشات بسیاری به چگونگی تأثیر هجرت عرفانی بر هجرت سیاسی اشاره نموده اند که با توجه به سؤال اصلی پژوهش و برای پاسخ گویی به آن لازم است این فرمایشات مورد بازخوانی قرار گیرد.

لزوم هجرت عرفانی در هجرت سیاسی

در اندیشه‌ی امام پیش از آنکه هجرت عرفانی صورت گیرد هرگز هجرت سیاسی صورت نمی‌گیرد. در واقع وقتی انسان مهاجر در جاده‌ی وصول به خداوند قدم گذاشت لازم است مراحل و منازل را طی کند، اولین منزل در راه هجرت به سوی خداوند گذر از هجرت عرفانی است. در واقع برای آنکه مهاجر بتواند هجرتی سیاسی انجام دهد لازم است درون خود را برای طی کردن این مسیر آماده کند، به عبارت دیگر، هجرت عرفانی به مثابه تجهیز و مهیا نمودن شخصی کوه‌پیماست پیش از آنکه شروع به بالا رفتن از قله نماید، اگر این شخص آمادگی جسمانی بالا و روحیه‌ی قوی برای صعود را پیش از عزیمت به قله در خود فراهم نکرده باشد بدون شک در میان راه دچار مشکلات گوناگونی می‌شود و هرگز نخواهد توانست به قله صعود کند. هجرت عرفانی مشابه همین آمادگی جسمانی و روانی است، باید چنین قابلیت‌هایی در فرد وجود داشته باشد تا بتواند قدم به مسیر هجرت سیاسی گذارد.

انقلاب اسلامی ایران در چهارچوب فرهنگ سیاسی تشیع و در بستر جریان تاریخی تشیع ایجاد گردید. انقلابی که به تعبیر امام: «... که با ابعاد گسترده‌ای بی‌سابقه در طول تاریخ است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۷۳) در این حرکت سیاسی رگه‌های اصیل خواسته‌های مشروع پیامبر و مسلمانان زمان ایشان به وضوح قابل ردیابی است. در واقع می‌توان چنین ادعا نمود که انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک حرکت سیاسی هجرتی عظیم و همه‌جانبه بوده است، زیرا در این انقلاب مردم ایران به واسطه‌ی داشتن نیت خدایی به نوعی بلوغ معنوی رسیدند که به تبع آن توانستند در قالب یک ملت هجرتی همگانی انجام دهند و به سوی خدا و رسولش حرکت نمایند، دقیقاً به همین دلیل است که امام در فرازی از فرمایشات خود فرمودند: «این مقدمه‌ی هجرتی که شما برای خودتان انتخاب کرده‌اید» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۶۲).

در انقلاب اسلامی ایران مادیات در نزد مردم بسیار بی‌اهمیت شده بود تا جایی که ایشان ارزشمندترین سرمایه‌ی مادی خود که همان زندگی است را کف دست گرفته و در راه رضای خداوند در مقابل گلوله‌های رژیم پهلوی ایستادگی نموده و انقلاب را به فرجام نهایی خود که همان پیروزی است رسانیدند، همه چیز خدا بود و هر خواستی در مجرای خواسته و اراده‌ی خداوند مطرح می‌گردید. امام در این خصوص در سخنرانی‌ای که در جمع مردم و دانشجویان تهران و تبریز در اول دی ماه سال ۱۳۵۸ ایراد نمودند فرمودند:

آن وقت اگر یک کسی به شما می‌گفت که شغل شما آیا خوب است... شاید مسخره‌اش می‌کردید، که حالا وقت این حرف نیست. پشت کردید به آمال خودتان و رو کردید به خدا. این توجه به خدا و هجرت از خود به خدا که بزرگترین هجرت‌هاست، هجرت از نفس به حق و از دنیا به عالم غیب شما را تقویت کرد... این نیرویی خدایی است... این را حفظش کنید! این نعمتی که خدا به شما داد و شما را متحول کرد به یک ملت دیگری. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۳۶۹).

در جریان انقلاب ایران به عنوان هجرتی سیاسی مردم انقلابی ایران مراحل پیچیده و طولانی هجرت عرفانی را که شرط لازم هجرت سیاسی است در مدت زمانی اندک پشت سر گذاشته و توانستند هجرتی سیاسی کنند و در جریان آن هجرت پیروزی بزرگ نهضت انقلابی الهی خویش را جشن بگیرند. به تعبیر امام « شما از خود هجرت کردید، و به خدا پیوستید. خود را فراموش کردید، و این فراموشی از خود مقدمه کمال انسان است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۱۵۶). در واقع حالت انقطاع امید از غیر خداوند و خالص کردن نیت برای خداوند باعث سیر پر سرعت و حرکت صعودی پر شتاب ملت ایران در جریان انقلاب اسلامی ایران شد.

امام در بستر فرهنگ سیاسی تشیع در تمامی پیشامدهای دوران نهضت انقلاب اسلامی ایران به مشاهده‌ی اصل جریان یافته‌ی هجرت در میان ملت ایران پرداخته و به مناسبت‌ها گوناگون در طول دوران مبارزه با رژیم شاهنشاهی و پس از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی به این جریان اصیل اشاره نمودند. به جرأت می‌توان گفت مهم‌ترین عنصر از میان عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی تشیع که در جریان انقلاب اسلامی ایران در اندیشه‌ی امام قابل پیگیری و مشاهده می‌باشد همانا اصل هجرت و شقوق گوناگون آن می‌باشد. هجرت در نگاه ایشان به مثابه کیمیایی است که قادر است سخت‌ترین و خطرناک‌ترین عرصه‌های مادی را به لطیف‌ترین و شیرین‌ترین رویدادهای ملکوتی تبدیل نماید. ایشان در تاریخ پنجم شهریور ماه سال ۱۳۶۳ در تکریم و تجلیل از رزمندگان دفاع مقدس بیان داشتند: «از مجاهدینی که سنگرهای نبرد را تبدیل به مساجد و میدانهای جهاد را با بانگ تکبیر مهبط ملائکه الله نموده‌اند، چگونه سخن توان گفت؟» (امام خمینی ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۴۰)

گره خوردن هجرت سیاسی به هجرت عرفانی در اندیشه‌ی امام به قدری مورد تأکید قرار داشت که ایشان رزمندگانی را که در حال پیکار با دشمن بعثی بودند را در بالاترین و والاترین

مرتبه‌ی هجرت می‌دانستند (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۱۴۵). در اندیشه‌ی ایشان هجرت عرفانی لازمه‌ی ورود به عرصه‌های گوناگون است، زیرا تا انسان نتواند از خودخواهی و خودبینی‌های یابد هرگز نخواهد توانست مصالح دیگران را در نظر آورده و سعادت ایشان را آرزوی خود قرار دهد. چنین کسی هرگز نمی‌تواند قدم به وادی هجرت سیاسی بگذارد، چون شرط ورود به هجرت سیاسی از دیدگاه امام داشتن نفسی است که از پلیدی‌ها رهایی یافته باشد. ایشان در این رابطه می‌فرمایند:

اگر همین یک جهت عرفانی و معنوی [کنار گذاشتن خودخواهی و خودبینی] برای انسان دست دهد... انسان در همهٔ میدانهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و حتی نظامی پیروز می‌شود... خداوند تعالی شمه‌ای از این سیر معنوی و هجرت الهی را نصیب همهٔ ما فرماید. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۳۳۷)

تا زمانی که انسان به جایگاه والای هجرت عرفانی دست نیافته باشد نخواهد توانست به طور موفقیت‌آمیز وارد عرصه‌های گوناگون حیات انسانی و بالخصوص هجرت سیاسی شود. اگر شخص مهاجر به این جایگاه دست یافت مبارزه‌ی سیاسی و جنبش اجتماعی او نیز بخشی از هجرت او به سوی خدا و رسولش قلمداد گشته و در جریان همین عمل سیاسی به مقامات عالی معنوی نیز دست پیدا می‌کند، معنای هجرت سیاسی همین است. در طول تاریخ و در دوران کنونی عده‌ی زیادی ترک وطن کرده و برای مبارزه و جنبش سیاسی وارد اجتماع و حتی به خارج از مرزهای جغرافیایی سرزمین خود می‌روند، ولی تنها کسانی مصادیق مهاجر هستند که شرایطی که در بالا آورده شد را داشته باشند. سنگ محک الهی بودن یک هجرت همین مسائلی است که آورده شد. طبق همین نگاه بود که امام پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۴۳ طی تلگرافی به حجت‌الاسلام محمد حسن نجفی رفتن ایشان از قم به تهران را که جهت حمایت از امام صورت گرفت «هجرت» خواندند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۱۲). هجرت سیاسی در نظر امام هجرتی است که دارای سه عنصر اساسی هجرت پیامبر در بعد سیاسی باشد، یعنی منجر به گسترش اسلام شود، باعث جذب نیروهای کارآمد گردد و در نهایت موجبات پیروزی بر دشمنان ظالم و ستم‌گر را فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

هجرت از مؤلفه‌های مهم فرهنگ سیاسی تشیع و به مثابه چهارچوب نظری جهت فهم بسیاری از رویدادهای تاریخی اسلام شیعی است. به اعتقاد نگارندگان برای فهم صحیح این مفهوم لازم است آن را در اندیشه‌ی علمای ربانی جستجو کنیم، علمایی که فهمی عمیق از مبانی اعتقادی اسلامی داشته و جریان اندیشیدن ایشان از سرچشمه‌ی تفکر عصمت محور معصومین^(ع) منشعب شده باشد. امام به عنوان تأثیرگذارترین عالم دینی سده‌ی گذشته در جهان اسلام نمونه‌ی بارز چنین شخصی است. ایشان در جریان نهضت اسلامی ایران به طور متعدد از مفهوم هجرت استفاده نموده‌اند و در جایگاه‌های گوناگونی به کار بست این اصل پرداخته‌اند. به همین دلیل لازم است به مطالعه‌ی ابعاد گوناگون هجرت در اندیشه‌ی ایشان پرداخته شود. نوشتار حاضر تلاشی است در راستای پاسخ به این پرسش که هجرت عرفانی چه تأثیری بر هجرت سیاسی دارد. برای پاسخ‌گویی به این پرسش ابتدا به طرح مباحثی از فرهنگ سیاسی تشیع به عنوان چهارچوب نظری پرداخته شد و پس از آن در چهارچوب فرهنگ سیاسی تشیع به بررسی تأثیر هجرت عرفانی بر هجرت سیاسی در نگاه امام پرداخته شد. یافته‌های پژوهش این مطلب را به تأیید می‌رساند که در نظام فکری امام هجرت عرفانی - به مثابه پالایش درون و حرکتی درون‌گرایانه به سوی رضای خداوند- شرط لازم برای انجام هجرت سیاسی - حرکتی خدامحور و برون‌گرایانه جهت تشکیل حکومت اسلامی و بپاداری حدود شرعی و دفاع از وطن اسلامی- است. در اندیشه‌ی ایشان تا شخص مهاجر نتواند از طریق هجرت عرفانی به بلوغ معنوی دست یابد هرگز نخواهد توانست قدم در وادی هجرت سیاسی بگذارد.

منابع

-قرآن-

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۰) کمال الدین، ترجمه: منصور پهلوان، قم: دارالحدیث، جلد اول.
- (۱۳۶۷) من لایحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، محمدجواد غفاری و صدر بلاغی، تهران: نشر صدوق، جلد دوم.
- ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵) دعائم الاسلام، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- ابن عربی، محی الدین. (بی‌تا)، الفتوحات المکیه، بیروت: دارالصادر.
- ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی. (۱۳۸۰) ترجمه وقعه الطف، ترجمه: محمد هادی یوسفی غروی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی^(ع).
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰) آداب الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع).
- (۱۳۸۸) ترجمه و شرح دعای سحر، ترجمه: سیداحمد فهری، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع).
- (۱۳۶۹) سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع).
- (۱۳۷۷) شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- (۱۳۸۵) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع) چاپ چهارم
- امین اصفهانی، نصرت بیگم. (۱۳۹۱) سیر و سلوک در روش اولیاء الله و طریق پیمودن راه حق تعالی، قم: آیت اشراق.
- بحرانی، ابن میثم. (۱۴۰۴) شرح نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر کتاب. چاپ دوم
- تنسی، استفان دی. (۱۳۷۹)، مبانی علم سیاست، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی، تهران: دادگستر.
- سهروردی، شهاب‌الدین. (۱۳۷۵)، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۸)، نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، قم: دارالعرفان.
- صلیبیا، جمیل، صناعی دره بیدی، منوچهر. (۱۳۶۶)، فرهنگ فلسفی، تهران: حکمت.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، تهران: کتابفروشی مرتضوی. چاپ سوم
- غزالی، ابوحامد محمد. (بی‌تا)، احیاء علوم الدین، بیروت: دارالکتب العربی.
- کاشانی، کمال الدین عبدالرزاق. (۱۳۸۰)، مجموعه رسائل و مصنفات کاشانی، تهران: میراث مکتوب. چاپ دوم
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹)، اصول الکافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- (۱۳۷۵)، اصول الکافی، ترجمه محمدباقر کمرهای، قم: اسوه.
- (۱۳۶۴)، الروضة من الکافی، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- (۱۴۲۹)، الکافی، قم: دارالحدیث.
- (۱۳۸۸)، تحفه الاولیاء، ترجمه محمد وفادار مرادی و عبدالهادی مسعودی، قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۶)، ملان الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲)، شرح الهدایة الاثیریة، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.

----- (۱۹۸۱)، الحکمة المتعالیة فی اسفار العقلیة الاربعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم

- نراقی، محمد مهدی. (بی تا)، جامع السعادات، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

- یزدان پناه، سید یدالله. (۱۳۹۱)، مبانی و اصول عرفان نظری، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

- Almond, Gabriel.A & Verba, Sideney(1990). *The Civil Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, Boston: Little Brown.

- Burnett Tylor, Edward (2010), *Primitive Culture*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Verba, Sideney (1988) "Compative Political Culture", *American Political Science Review*, Vol.82, No.4.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی